



## محمدبن ذکریای رازی از منظری دیگر

و کیمیاگر، بزرگترین پژوهش بالینی در اسلام و قرون وسطاً (در اروپا) بود. نظریه جالینوس را با معلومات وسیع خویش و حکمت بقراطی تأم ساخت. معلومات شیمیایی خود را در طب به کار برد و او را باید نیای استادان شیمی دانست.

کتاب الحاوی او یک دایره المعارف طبی عظیم است و کتاب الجدری و الحصبه او خود یک شاهکار پژوهشکی است (۲).

مهماه بنزین جنبه جاذبه حکیم رازی برای علمای مغرب زمین، نظر به آن که ایشان عموماً منشأ تمدن و فرهنگ غرب را یونان باستان می‌دانند، هماناً یونانی مآب بودن رازی ایرانی در سیرت فلسفی (به پیروی از سقراط حکیم) می‌باشد. بنابراین، بی‌سبب نیست که «هولمیارد» او را بر جسته‌ترین متفکر پیرو فلاسفه یونانی می‌داند که بشریت طی هزار و نهصد سال پس از ارسطو به خود دیده است (۲).

رازی به لحاظ حکمت طبیعی و علم اثباتی و روش تجربی، اجماع علمای فن بر آن است که اولاً با فرانسیس بیکن انگلیسی تقدیم دارد، ثانیاً چنان که استاد «پینس» مکرر نموده است اصول طبیعت‌پژوهی رازی (ذره‌گرایی، زمان

بنابر آنچه گفته شده است علم وطن ندارد اما عالم وطن دارد. حکیم رازی نیز گذشته از ایرانی بودنش و مایه فخر و مبارک ایران و اسلام، هماناً بی‌گمان یک عالم و طبیب و حکیم جهانی است که به تمام بشریت متمدن عالم تعلق دارد. این امر صرف ادعا و اظهار ما تنها نبوده، قولی است که جمله علمای مبرز و مورخان برجسته علم در جهان بر آن هستند. اگر رازی را جزو حکماء اسلامی و یا مذهب او را از مکاتب فکری اسلام به شمار آورده‌اند، در این انساب هیچ ابراد و اشکالی به نظر نمی‌رسد، از این‌رو که اسلام به لحاظ قلمرو یا حوزه علمی و فرهنگی هم، مایه‌های فخر و مبارک بسیار و بی‌شماری حسب تعلق دانشمندان ایرانی بس بزرگی بدان حوزه‌ها، طی هزار و چهارصد سال دیناوری برای خود فراهم ساخته است (۱).

مورخان علم در مغرب زمین و علمای محقق مبرز اروپایی، برای سه تن از دانشمندان طراز اول جهانی ایران نهایت درجه اهمیت و اعتبار و تجلیل عالی، قایل شده‌اند: محمدبن موسی خوارزمی، محمدبن ذکریای رازی، ابو ریحان بیرونی، که پس از ایشان هم، ابوعلی بن سینا و بهویژه حکیم عمر خیام نیشابوری می‌آیند.

جورج سارتون می‌گوید که رازی پژوهش، فیزیکدان

قول ابن ندیم وی در کتاب‌هایش دم از «قال استادان ابوموسی جابرین حیان» زند به کلی برخلاف مکتب جابری است و علم شیمی نوین را بنیان گذاشت.» «در یک کلمه، حکیم رازی با آن که هم به قول خود اجتهاد استادان پیشین را ارج می‌نهد، لیکن در باب معارف خویش به هیچ یک از آن‌ها بدھکار نیست. رازی نظر به خودآموزی پیوسته و تعلم یکسره کتابی اش، که روحیه مستقل انتقادی را به جای تبعیت و تقلید استادی در او نیرومند ساخته، در واقع شاگرد کسی نبوده، مادام که خود استاد گشته است. پژشکی اندیشمند و فیلسوفی دانشمند به تمام معنای کلمه خودساخته، بارآمده است. شاگرد مکتبی اش ابوریحان بیرونی نیز کمایش همین سان بوده است. آنان به قول سعدی فرزند خصال خویشتن بودند.»

از ویژگی‌های مهم دیگر رازی عشق به تعلیم و تربیت شاگردان بزرگ و با استعداد بود. او خود استادانی را پرورش داد که هر یک عالمی بزرگوار شدن که در گذشته به آن‌ها اشاره شده است. در اینجا به یک نمونه بسیار جالب در این زمینه می‌پردازیم که در کتاب حکیم رازی و در صفحه ۸۶ درج شده است: «بن ندیم در شرح خط چینی داستانی از حکیم رازی درباره هنر تندنویسی نقل کرده که حاکی از نیت دانش گسترانه و همت دانشجوپرورانه، سماحت طبع و سعه صدر بزرگوارانه او است: محمدبن زکریای رازی گوید که مردی از چین به نزد من آمد، حدود یک سال در پیش من ماندگار شد، طرف مدت پنج ماه زبان عربی را به گفتار و نوشتار آموخت، چندان که در آن شیوا و رسائی و زبردست شد. پس چون خواست به وطن خود باز گردد، یک ماه پیشتر به من گفت که عزم بازگشت دارد و مایل است که

مطلق، تصویر حرکت، علم تجربی) با نظر اسحاق نیوتون (۱۷۳۷ - ۱۶۴۲ م) یکی است و ثالثاً نظر به گرایش ضد اسطوبی وی در باب معرفت‌شناسی همانا همسنگ و همانند با رنه دکارت فرانسوی (۱۶۵۰ - ۱۵۹۷ م) می‌باشد(۲).

به طور کلی، ایران‌شناسان، حکیم رازی را در علم تجربی با «بیکن» در عقل نظری با «دکارت» و در علم طبیعی با «نیوتون» سنجیده‌اند(۲). از ویژگی مهم رازی در علم و فلسفه موضع انتقادی او نسبت به تمامی دانشمندان هم عصر خود و حتی استادان خویش می‌باشد. نقادی دیگران و تسليم نظرات نشدن و مقلد نبودن و مروعوب نشدن نسبت به علمای دیگری در زمینه‌های مختلف از خصوصیات بارز این دانشمند بزرگ می‌باشد. به عبارت دیگر، استقلال فکری و رد و قبول مفاهیم بر بنای دلیل علمی مهم‌ترین ویژگی رازی می‌باشد.

در این زمینه در کتاب حکیم رازی و در صفحه ۸۲ چنین آمده است:

«به طور کلی، چنان که دکتر محقق هم می‌گوید مسأله شاگردی رازی زیاد مهم نیست، آنچه مهم است این که رازی چه فراگرفته و از استادان چه آموخته است. ملاحظه شد که رازی نظر به موضع مستقل انتقادی خود، خواه در فلسفه یا طب، در واقع شاگرد مکتبی هیچ یک از استادان مذکور نبوده است. رازی گرچه در طب، دانش آموخته مکتب جالینوس و ابن‌رین طبری بوده، همانا بزرگ‌ترین منتقد طبی در دنیای اسلام و کسی است که شکوک او بر جالینوس مشهور عالم است و در خصوص فلسفه هم که بزرگ‌ترین منتقد از مکتب اسطوبی (مشائی) و پیروان آن کنده و بلخی است. حتی در دانش کیمیا که به



جمع مال هم دستخوش حرص و آز بوده و مالی را که به کف آورده ام بیهوده بر باد نداده ام. با مردم هیچ وقت به منازعه و مخاصمه برخاسته و ستم در حق کسی روا نداشته ام، بلکه آن چه از من سرزده است خلاف این بوده، حتی غالب اوقات از استیفای بسیاری از حقوق خود نیز درگذشته ام. در باب خوردن و آشامیدن و اشتغال به ملاهي، کسانی که مرا در این حالات دیده اند، دانسته اند که هیچ گاه به طرف افراط متمایل نبوده ام و در پوشش و مرکب و نوکر و کنیز در همین حد می رفته است.»<sup>(۳)</sup>.

گرچه راقم این سطور سال ها است که مقالات متعددی درباره محمدين زکریای رازی نگاشته و مطالعات نسبتاً گسترده ای در این زمینه داشته است اما برای او این نتیجه حاصل شده که تمامی آن ها قطره ای از دریای بیکران وجود این عالم و دانشمند بزرگ ایران بیش نیست. مجموعه این مطالب تنها بر بشی سطحی از عمق وجود او است که امیدوارم با تلاش بیشتر به این اعمق دست یابم.

در اینجا باز هم سالروز تولد این افتخار ایران زمین را خدمت تمامی همکاران عزیز و بهویژه داروسازان گرامی که به تمام معنا خدمتگزار ملک و ملت هستند تبریک می گوییم و برای همه آن ها آرزوی توفیق و خدمت برای ایران و ایرانی دارم.

دکتر سید محمد صدر

#### زیرنویس

۱. اذکائی پ، حکیم رازی، حکمت طبیعی و نظام فلسفی محمدين زکریای صیری، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۸۴: ۲۴۷ - ۹۷.

۲. همان، ص ۲۶۲ - ۲۶۱

۳. همان، ص ۸۶

مجموعه شانزده کتاب جالینوس به او املا شود تا وی آن ها بنویسد. پس به او گفتم که وقت از برای تو تنگ است و زمان درنگ برای نسخه برداری از آن ها بس اندک. آن جوان گفت که از تو خواهش می کنم خودت را مادام که در خدمت هستم وقف من فرمایی و با سرعت تمام کتاب ها را بر من املا کنی تا من بنویسم، پس من یکی از شاگردان را به حضور خواندم و هر سه گرد آمدیم و با سرعت ممکن به املا کتاب ها پرداختیم، اما به گونه باور نکردنی دیدم که وی در تحریر مطالب از ما پیشی می گیرد. هنگام بازبینی هم دیده شد که همه چیز را نوشته است. در این باب از او پرسیدم، پس گفت که ما یک نوع کتابت داریم معروف به «مجموعه» و همین است که ملاحظه می فرمایید و چون بخواهیم که چیزی بسیار را در مدتی کوتاه بنویسیم، آن را با همین خط و کتابت می نویسیم، سپس اگر بخواهیم، همان را به خط معمول و مبسوط تحریر می کنیم. گمان می کرد که آدم باهوش و زرنگ و تندآموز، نتواند آن کتابت را در کمتر از بیست سال یاد گیرد.

جنبه عملی رازی در حیات علمی اش نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. این بعد که تا حدی بر اخلاق و روحیات و شخصیت فرد باز می گردد، در روش زندگی و نحوه تعامل با دیگران و رفتار اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. رازی در کتاب سیرت فلسفی در این زمینه چنین می گوید: هرگز از حدود اعدال و امور ضروری به جهت معاش فراتر نرفته ام، چنان که سیرت فلسفی من هرگز این نبوده است. مثلاً به عنوان مردی لشکری یا عامل کشوری به خدمت سلطانی پیوندم، اگر هم در صحبت چنین کسی بوده ام از وظیفه طبابت و منادمت قدم فراتر نگذاشته ام. در

